

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آزاد ل.  
۲۸ جون ۲۰۱۳

## عنوان ندارد

احساس سوختن به تماشا نمی شود

آتش بگیر تا بدانی چه می کشم

هموطنان گرامی!! باور نمائید تا همین امروز اعتقاد داشتم تمام اختلافات سلیقه‌ئی و یا هم در قدم بزرگتر تضاد های درونی سازمانها، احزاب و تمام جریانات چپ با بزرگواری، پذیرش همدیگر، حسن نیت و اخلاق انسانی کمونیستی در تمام مقطع‌های زمانی قبل از این که به تضاد آشتی ناپذیر مبدل گردد در یک فضای پر از محبت، انسانیت، معقولیت با در نظر داشت اصل انتقاد و انتقاد از خود، هدایات و رهنمائی های بزرگمردان این اندیشه قابل بررسی و حل بوده و می تواند زمینه ساز اتحاد تمام نیرو های چپی انقلابی دموکراتیک نوین باشد و من شدیداً به این عقیده و عملی شدن آن امیدوار بودم. با وجودی که درک و فهم من از جر و بحث‌های چند ماهه انقلابیون باچند نفر بی‌شعور فحاش و نتایج آن تا اندازه‌ای روشن بود با آنهم غرض روشن شدن موضوعات و صحبت‌های رویاروی چندی قبل نوشته (پرسش و پیشنهاد) را نوشتم تا در صورت امکان شرایطی را بتوان بوجود آورد که دهن های باز شده که جز تعفن و کتافات چیزی از آن بیرون نمیزند لگام منطقی زده شود و این گامی بود مثبت ولو کوچک اگر در این راستا برداشته می شد و تصور داشتم که این خود خدمتی خواهد بود به روشن شدن اذهان عامه و بینش و طرز قضاوت نسل جوان در قبال جنبش چپ!! بزرگواری مثل استاد «موسوی»، مبارزو دانشمند گرامی آقای «پغمائی»، انقلابی بزرگ و شناخته شده کشور «میریس ودان محمودی»، نویسنده و مبارز دلیر آقای «جاوید» با وقار انقلابی و جرأت انسانی موضع گیری ایشان را در قبال همچو جلسه ای با چند فرومایه بی‌وجدان و واضحاً و انسانی مطرح داشته که از محبت ها و ارج گذاشتن شان به همچو طرحی سپاسگذارم.

اما این گروه سه نفره چهار سایته اینترنتی مثل همیشه از جواب دادن به اساسی‌ترین و مهم‌ترین سؤالات شانه خالی نموده و به فحاشی و لومپنی پرداختند، و بنده را کمک نمودند تا در شناخت و نتیجه‌گیری از چگونگی شکل موجودیت شان که غرض ضربت زدن به انقلابیون کشور خود را زیر نام به اصطلاح «م.ل.م.» پنهان داشته اند اشتباهی را مرتکب نشوم

با در نظر داشت این که زمانی داکتر ثنا یا داکتر غفور سناچ در جمله مجاهدین اسلامی ایران در زیر چتر آنها پناه گزین بوده و مشغول نگهداری سلاح های (کمیته امام) بوده است، باید و حتماً این آقای پولاد را شناخت نه برای این که او آدم مهم و یا مؤثری است بلکه به خاطر این که جناب شان فاقد دانش سیاسی مخصوصاً اندیشه پرولتری بوده و روی مقاصد و منافع شخصی و خاص خود راه‌هایی را بر گزیده تا به علاوه این که آدم و شخصیت مهم جلوه کند (یک

چیزکی هم) گیرش بیاید و او شباهت زیاد به یک رقااص سیاسی دارد تا آدمی که به او انسان خطاب نمود. برای شناخت داکتر غفور ثنا که می خواهد او را به نام پولاد بشناسند و شاید هم آرزوی پولاد شدن و بودن را دارد (خوب مسأله ای نیست ، چونکه گفته‌اند هر کی دل دارد آرزو دارد) اما این بد بخت آرزوهایش رویائی و بالا تر از امکانات بوده و حتی نا ممکن است چون که او از انواع زندگی نمودن فقط کثیف ترین ، نا مردانه ترین و احمقانه ترین آن را انتخاب نموده است و نظر به سوابق خاینانه ای که جناب شان دارند هر لحظه زنده بودن برای شان شرم و خجالت است.

دنبال مدارک و اسناد علیه آقای داکتر ثنا مشهور به پولاد نیستم همین چند نوشته گرانمایگان انقلابی در همین سایت آزادگان کافی است او را شناخت اما نکته‌ای که توجهم را همیشه جلب می دارد این است که اشخاصی بد نام و کثیف تاریخ، که با استفاده از نام پر افتخار ترین جنبش برای ضربت زدن و نابود ساختن آن خود را آرایش داده‌اند باید افشاء و مردم باید از آنها نه تنها شناخت سیاسی از لابه لای چند سطر نوشته مغرضانه انترنتی داشته باشند بلکه از شخصیت و سابقه زندگی‌اش نیز مطلع گردند. بر همه روشن است که فرزندان با اخلاق و مبارزان واقعی در طول تاریخ چهار دهه کشور زیر عنوان «پیروان اندیشه دموکراتیک نوین» که مشهور به شعله‌ئی بودند و هستند در تاریخ سیاسی و مبارزاتی کشور تبارز نمودند و این که این جریان با دادن قربانی‌ها بهترین و شایسته ترین فرزندان این مرز و بوم در راه آزادی انسان‌های محروم جامعه، باعث افتخار مردم و خود شدند، جای بسا افتخار است اما یک تعداد لومین‌های بی سرو پا که معمولاً مرض خود پرستی، بی وجدانی دارند روی اساسات جاسوس بودن در این میان سعی نموده اند خود را برای مردم و جامعه ما در همین چو کات جلوه دهند.

این بد بخت ها سعی می دارند با بد گفتن و نوشتن ، تهمت و افتراء به رهبران چپ مخصوصاً به آنهای که به جاودگانی پیوسته اند برای خود یک شخصیت ممتاز ساخته و چند نفری را به گرد افکار شوم و لومینانه خود جمع نماید تا باشد از خجالتی های گذشته بیرون آمده و احساس آرامش نمایند.

اما این مشکل خواهد بود تا کسی فقط به خاطر این ملحوظ موفق شود بر سیاه کاری های زندگی شخصی و سیاسی خود و یا هم در عدم حفاظت ناموس شخصی پرده افکنده و خود را برائت دهد ؟

روی همین مظهر و هم ده‌ها دلیل دیگر این آقای پنییر هالندی شروع نموده به انتقادات روی تمام جریانات چپی کشور !! مخصوصاً آنهایی که در عمل فرزاندگی و شهامت انقلابی خود را ثابت نموده اند. خوانندگان عزیز شاهد اند که این آقای داکتر ثنا مشهور به پولاد تنها به «ساما» و رهبران فداء شده و قربان شدگان آن‌ها و یا «سازمان انقلابی افغانستان» انتقاد ندارد، بلکه این جناب برای نجات خود از بی آبرویی و بی حیثیتی به هر در و دروازه ای لگد می زند که از این گل مهره‌های تمکین فروش خود نما و جاسوس جز همین دیده درائی ، فحاشی و (کاکه، کاکه گشتن) نباید توقع دیگری داشت.

نتیجه‌گیری من در حدود بر داشت هایم با خواندن چند نوشته تهمت ، بهتان و افتراء آقائی به نام داکتر غفور سناچ که بر هر چه مارکسیم، لینیسم اندیشه مائو تسه دون ویا به زعم خودش به اصطلاح «مائوئیزم» و اخلاقیات است مثل یک حیوان شاشیده و همچنان نوشته چند خر صفت از اشخاص همکیش او (حسین خاین و صادق جاسوس) زیر عناوین پر زرق و برق در سایت‌های انقلابی نما نشان دهنده آن بوده که این چند نفر قاچاقبر و مفت‌خور اصلاً هیچ کاره بوده و فقط و فقط به خاطر تفنن و سر گرمی خود را منسوب به جنبش چپ قلمداد می نمایند و همچنین با داشتن سابقه خدمت به کمیته امام خمینی (۴ سال) خدمتگذاری‌ها به دستگاه «آی. اس. آی.» و وظیفه گرفته اند تا به نام های انقلابی در جنبش چپ خود را جا زده و به نحوی از انحاء و در شرایط مقتضی باعث نابودی گوشه‌ای از سازمانهای چپ انقلابی شوند و این‌ها می خواهند تمام نامردی ، بی وجدانی ، خود فرو ختکی، خدمت به بیگانگان را شکل «انجوی دموکراتیک» داده

و راه هموار کن تسلط استعمار و چوکران و نوکران شان باشند و به اصطلاح خودشان (مار کسبیم لنبیم را به تاریخ حواله کنند!!)؟

همچنان آن‌ها خواسته اند با ایجاد سرو صدا، بهتان زنی، افتراء و فحاشی خود را در جامعه سیاسی ما مطرح دارند، تا یک تعداد هموطنان خوشباور ما به آن‌ها منحيث تئوریسن های هالندی چند نفری ارجی قایل شوند و در جهت دیگر اشخاص و کادر های فعال سازمانهای مترقی را مصروف تحلیل، بررسی و استناد و اثبات آنچه آن‌ها طرح می دارند بسازند تا مسیر اصلی مبارزه را به کجراه سوق داده و خود و بادران شان نتایج نسبی دلخواه خویش بگیرند اوشان همیشه سعی براین داشته‌اند تا هویت اصلی شان از انظار پنهان باشد، چرا؟ مگر آن‌ها انسانهای خطرناکی استند؟؟ بلی آن‌ها خواسته اند تا با این پوشش کاری یکی هم سیهکاری ها و ردالت های اخلاقی و سیاسی خود را از انظار عامه پوشیده نگهدارند. مثلی که شد یعنی با افشای نام داکتر سناچ کشف گردید که او با داکتر زرغون خلقی تا زمانی که او محبوس می‌شود رابطه آنچنانی داشته و وسیله خوش نگهداشتن داکتر زرغون بود!! پس او حق به جانب بود بر این که نمیخواست اسم اصلی اش فاش شود.

کنون سؤالی که زجرم می دهد این است که چنین آدم های شیر ناپاک خورده و جاسوس ارزش این که باز هم با آنها مبارزه کرد را دارند یا خیر؟؟

فکر میکنم بلی!! تا او و امثالش ببینند که مردم ما شعور سیاسی داشته و فریب همچو مزخرفات و فحاشی های این میهنفروشان به رهبران و جانبازان راه «اندیشه دموکراتیک نوین» را نخورده بلکه با فهم و تحقیق بیشتر در مورد اشخاص مجهول‌الهویه پرداخته و دامان جنبش مقدس را از همچو کثافت ها محفوظ خواهند داشت.